

به نام خدا
"طرح کیفیت بخشی آموزش معلمان مناطق کم برخوردار"

بسته آموزشی دوره‌ی
فنون پیشرفته یادگیری
و
کاربرد فناوری های نوین در آموزش

تابستان ۱۴۰۵

صفحه	فهرست عناوین
۱	مقدمه
۳	روش کنفرانس گرد هم آیی
۴	روش شاگرد - استادی
۴	روش چند حسی مختلط
۵	روش حل مسئله
۶	روش پروژه ای
۶	شیوه سخنرانی
۷	شیوه بازگویی
۷	شیوه پرسش و پاسخ
۸	شیوه تمرینی
۸	شیوه بحثی
۹	شیوه نمایشی
۹	شیوه آزمایشی روش اجرا کردن یا یادگیری بوسیله عمل

شیوه گردش علمی ۱۰

روش کارگاهی ۱۳

روش تدریس کارگاهی ۱۴

الگوی دریافت مفهوم ۱۶

الگوی آموزش کاوشگری ۱۷

الگوی پیش سازمان دهنده ۱۸

الگوی یادسپاری ۱۸

الگوی کاوشگری علمی ۱۹

الگوی تدریس غیر مستقیم ۲۰

الگوی آگاهی یابی ۲۲

الگوی آموزش آزمایشگاهی ۲۳

الگوی کاوشگری علوم اجتماعی ۲۴

الگوی یادگیری در حد تسلط آموزش مستقیم

(نظریه اجتماعی یادگیری) ۲۴

الگوی آموزش برای رشد مفهوم و مهارت ۲۵

مقدمه :

تعریف روش:

«روش در مقابل واژه ی لاتینی «متد» به کار می رود ، واژه ی متد در فرهنگ فارسی «معین» و فرهنگ انگلیسی به فارسی «آریانپور» به :روش ، شیوه ،راه ،طریقه ، طرز ، اسلوب معنی شده است . به طور کلی «راه انجام دادن هر کاری» را روش گویند .روش تدریس نیز عبارت از راه منظم ، با قاعده و منطقی برای ارائه درس می باشد .

تقسیم بندی روش تدریس :

۱- روشهای تاریخی ۲- روشهای نوین «صفوی ، ص ۲۳۹ ، ۱۳۷۰)

«اصطلاح تدریس ،اگر چه در متون علوم تربیتی مفهومی آشنا به نظر می رسد ،اکثر معلمان و مجریان برنامه های درسی با معنی و ماهیت درست آن آشنایی دارند . برداشتهای مختلف معلمان از مفهوم تدریس می تواند در نگرش آنان نسبت به دانش آموزان و نحوه ی کار کردن با آنها تأثیر مثبت یا منفی بر جای گذارد . برداشت چند گانه از مفهوم تدریس می تواند دلایل مختلفی داشته باشد ؛از مهمترین آنها ضعف دانش پایه و اختلاف در ترجمه و برداشت نادرست معلمان از دیدگاههای مختلف تربیتی است . گاهی آشفتگی و اغتشاش در درک مفاهیم تربیتی به حدی است که بسیاری از کارشناسان ، معلمان و دانشجویان این رشته مفاهیمی چون پرورش ، آموزش ،تدریس و حرفه آموزی

را یکی تصور می کنند و به جای هم به کار می برند. این مفاهیم اگر چه ممکن است در برخی جهات وجوه مشترک و در هم تنیده داشته باشند، اصولاً مفاهیم مستقلی هستند و معنای خاص خود را دارند.

پرورش یا تربیت «جریانی است منظم و مستمر که هدف آن هدایت رشد جسمانی، شناختی، اخلاقی و اجتماعی یا به طور کلی رشد همه جانبه شخصیت دانش آموزان در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعداد آنان است» (سیف، ۱۳۷۹، ۲۸). بر اساس چنین تعریفی پرورش یک نظام است، نظامی که کارکرد اساسی اش شکوفا کردن استعداد و تربیت شهروندانی است که هنجارهای مورد پذیرش جامعه را کسب کنند و متعهد به ارزشهای آن باشند. حتی بسیاری از صاحب نظران تربیتی کارکردی فراتر از کارکرد ذکر شده برای پرورش قائلند و معتقدند که القای ارزشها و سنتها و اخلاقیات پذیرفته شده جامعه به افراد یکی از قدیمی ترین دیدگاه پرورشی است، به جای چنین کارکردی، نظام تربیتی باید رشد مهارتهای شناختی از قبیل تفکر انتقادی، تحلیل ارزشها و مهارتهای گروهی را در کانون کارکردهای خود قرار دهد تا زمینه ی مردم سالاری در جامعه فراهم شود. (میلر، ۱۹۸۳) گروهی دیگر نیز بر این باورند که نظام تربیتی باید عامل تغییر و تحول اجتماعی باشد. (فریره، ۱۹۷۲)

تحلیل مفاهیم و کارکردهای ذکر شده نشان می دهد که به هیچ وجه نمی توان مفهوم «پرورش» را با مفاهیمی چون آموزش، تدریس و یا حرفه آموزی یکی دانست. پرورش مفومی کلی است که می تواند سایر مفاهیم را در درون خود جای دهد.

مفهوم آموزش برخلاف پرورش یک نظام نیست، بلکه آموزش فعالیتی است هدفدار و از پیش طراحی شده، که هدفش فراهم کردن فرصتها و موقعیت هایی است امر یادگیری را در درون یک نظام پرورشی تسهیل کند و سرعت بخشد. بنابراین آموزش وسیله ای است برای پرورش، نه خود پرورش.

آموزش یک فعالیت مشخص و دقیق طراحی شده است؛ پس هدفهای آن دقیق تر و مشخصتر و

زودرستر از هدفهای پرورشی است. آموزش ممکن است با حضور معلم و یا بدون حضور معلم از طریق فیلم، رادیو، تلویزیون و سایر رسانه ها صورت گیرد.

مفهوم تدریس به آن قسمت از فعالیت های آموزشی که با حضور معلم در کلاس درس اتفاق می افتد اطلاق می شود. تدریس بخشی از آموزش است و همچون آموزش یک سلسله فعالیت های منظم، هدفدار و از پیش تعیین شده را در بر می گیرد و هدفش ایجاد شرایط مطلوب یادگیری از سوی معلم است. به آن قسمت از فعالیت های آموزشی که به وسیله ی رسانه ها و بدون حضور و تعامل معلم با دانش آموزان صورت می گیرد به هیچ وجه تدریس گفته نمی شود. بنابر این آموزش معنایی عامتر از تدریس دارد. به عبارت دیگر می توان گفت هر تدریسی آموزش است، ولی هر آموزشی ممکن است تدریس نباشد. چهار ویژگی خاص در تعریف تدریس وجود دارد که عبارتند از:

الف) وجود تعامل بین معلم و دانش آموزان

ب) فعالیت بر اساس اهداف معین و از پیش تعیین شده

ج) طراحی منظم با توجه به موقعیت و امکانات

د) ایجاد فرصت و تسهیل یادگیری. (شعبانی، ص ۹، ۱۳۸۲)

تعریف تدریس:

«تدریس عبارت است از تعامل یا رفتار متقابل معلم و شاگرد، بر اساس طراحی منظم و هدفدار

معلم، برای ایجاد تغییر در رفتار شاگرد. تدریس مفاهیم مختلف مانند نگرشها، گرایشها، باورها،

عاداتها و شیوه های رفتار و به طور کلی انواع تغییراتی را که می خواهیم در شاگردان ایجاد کنیم، دربر

می گیرد.» (میرزا محمدی، ص ۱۷، ۱۳۸۳)

روش کنفرانس (گرد هم آیی)

«این روش با روش سخنرانی تفاوت دارد زیرا در روش سخنرانی، معلم مسئول دادن اطلاعات به دانش آموزان است. در حالیکه در این روش اطلاعات توسط دانش آموزان جمع آوری و ارائه می گردد. این روش می تواند مشخص کند که دانش آموزان تا چه اندازه می دانند. این روش یک موقعیت فعال برای یادگیری به وجود می آورد. نقش معلم در کنفرانس صرفاً هدایت و اداره کردن جلسه و جلوگیری از مباحثاتی است که منجر به انحراف از موضوع کنفرانس و روال منطقی آن شود. این روش برای کلیه دروس و سنین مختلف کاربرد دارد.

روش شاگرد - استادی

قدمت این روش به زمانی که انسان مسئولیت آموزش دهی انسانهای دیگر را چه از طریق غیررسمی و چه از طریق رسمی به عهده گرفت، می رسد. و قدمت آن به صدر اسلام برمی گردد مسجد نخستین موسسه ای بود که چنین سیستمی را برای تعلیم و تربیت مسلمانها به کار برده است. از روشهای تعلیمی که در روش شاگرد - استادی حائز اهمیت است، روش حلقه یا مجلس است، که پیامبر عظیم الشان اسلام از این روش به مردم آن زمان آموزش می داد. همه افراد در کودکی دوست دارند نقشی غیر از نقش واقعی خود بازی کنند، روش شاگرد - استادی به این نقش خیالی، جامه عمل می پوشاند. در این روش به دانش آموزان اجازه داده می شود که نقش معلم را ایفا کنند. هدف اساسی این روش آن است که شاگرد، معلم گردد و از این طریق تجارب تازه و ارزشمندی به دست آورد. در این روش، در صورت فقدان معلمان متخصص، تعداد زیادی از دانش آموزان مهارت خاص را آموخته اند و می توان از آنها استفاده کرد.

روش چند حسی (مختلط)

استفاده از این روش مستلزم به کار گرفتن همه حواس است و جریان یادگیری از طریق تمام حواس صورت می گیرد. از طریق کار بست این روش می توان، مطالب و مهارتها را درک کرد، ارتباط موثرتری برقرار کرد، مهارتها و مطالب را از یک موقعیت به موقعیت دیگر تعمیم داد. در یادگیری روش چند حسی به طور کلی از همه حواس استفاده می شود، به بیان دیگر، یادگیری بصری که ۷۵٪ از مجموع یادگیری ما از طریق دیدن است، یادگیری سمعی که ۱۳٪ از مجموع یادگیری ما از طریق شنیدن است، لمس کردن، که ۵٪ از مجموع یادگیری ما از طریق لمس کردن است، چشیدن که ۳٪ از مجموع یادگیری ما از طریق چشیدن است و بوییدن که ۳٪ از مجموع یادگیری از طریق بوییدن است.

روش حل مسئله

این روش یکی از روشهای فعال تدریس است. اگر نظام آموزشی بخواهد توانایی حل مسئله را به دانش آموزان یاددهد، (البته مسئله به معنی مشکل و معضل نیست، به بیان دیگر مسئله موضوعی نیست که برای ما مشکل ایجاد کند، بلکه رسیدن به هدف در هر اقدامی، به نوعی حل مسئله است، (خورشیدی، غندالی، موفق، ۱۳۷۸) در این روش آموزش در بستر پژوهش انجام می شود و منجر به یادگیری اصیل و عمیق و پایدار در دانش آموزان می شود. در این روش ابتدا معلم باید مسئله را مشخص، سپس به جمع آوری اطلاعات توسط دانش آموزان پرداخته شود، و بعد از جمع آوری اطلاعات بر اساس اطلاعات جمع آوری شده دانش آموزان فرضیه سازی و در نهایت فرضیه ها را از مومن و نتیجه گیری شود. اگر روش حل مسئله درست انجام شود می تواند منجر به

بارش یا طوفان فکری گردد. یعنی اگر معلم روش تدریس حل مسئله را به درستی انجام دهد، دانش آموزان می کوشند تا برای حل مسئله با استفاده از تمام افکار و اندیشه هایی که دارند، در کلاس راه حلی بیابند و آن را ارائه دهند. به بیان دیگر اگر معلم در روش تدریس حل مسئله به درستی عمل کند، منجر به روش تدریس بارش مغزی نیز می شود. به طور کلی اگر نظام آموزش و پرورش بخواهد در جهت تقویت زمینه های بالقوه خلاقیت نقش مهمی ایفا کند همانا بست روشهای تدریس حل مسئله و بارش فکری در کلاس درس توسط معلمان است.

روش پروژۀ ای

روش تدریس پروژه ای به دانش آموزان امکان می دهد تا قدرت مدیریت، برنامه ریزی و خود کنترلی را در خودشان ارتقاء بخشند. در این روش دانش آموزان می توانند با توجه به علاقه ی خود موضوعی انتخاب و به طور فعالانه در به نتیجه رساندن آن موضوع شرکت نمایند. براین اساس در این روش دانش آموزان یاد می گیرند که چگونه به طور منظم و مرحله ای کاری را درس انجام دهند و این روش باعث تقویت اعتماد به نفس در دانش آموزان می شود زیرا بین آنها و معلم رابطه صحیح آموزشی برقرار است و در نهایت این روش باعث تقویت همکاری، احساس مسئولیت، انضباط کاری صبر و تحمل در انجام امور و تحمل عقاید دیگران و مهارتهای اساسی پژوهش در دانش آموزان می شود.

شیوه سخنرانی

معلم به طور شفاهی اطلاعات و مفاهیم را ' در عرض مدتی که ممکن است از چند دقیقه تا یک ساعت یا بیشتر طول بکشد' در کلاس ارائه می دهد. در سخنرانی می توان معلم را با عنوان پیام دهنده و دانش آموز را به عنوان پیام گیرنده تصور کرد. از این نظر سخنرانی شیوه ای است یک سویه ' برای انتقال اطلاعات' که معمولاً فراگیر در آن نقش غیر فعالی دارد. محتوای سخنرانی را معلم قبل از ورود به کلاس تعیین می کند.

شیوه بازگویی

بازگویی شیوه ای است که معلم بکار می برد تا فرگیر را در بیاد سپردن اشعار ' قواعد' فرمولها' تعاریف و اصطلاحات تشویق کند. در بازگویی معمولاً معلم از دانش آموز انتظار دارد که موضوع بیاد سپرد را کلمه به کلمه بیان کند. شیوه بازگویی مطالب ' با آنکه اغلب در کلاسها مورد استفاده قرار می گیرد' ولی متأسفانه ضرورتاً دلالت بر تحقق یادگیری نمی کند. کاربرد این شیوه تنها نشان می دهد که دانش آموز مطالب مورد نظر را بیاد سپرده است. گاهی هدف معلم اساساً این است که دانش آموز موضوعی را بخاطر بسپارد تا برای درک مفهوم خاصی از آن را بکار برد. در این روش صورت بکار گرفتن این شیوه ممکن است مفید باشد.

شیوه پرسش و پاسخ

شیوه پرسش و پاسخ شیوه ای است که معلم به وسیله آن فراگیر را به تفکر در باره مفهومی جدید یا بیان مطالبی فرا گرفته شده تشویق می کند. معلم ' وقتی که می خواهد مفهوم دقیقی را در کلاس مطرح نماید یا توجه فراگیران را به موضوعی جلب کند شیوه

پرسش و پاسخ را به کار می برد و نیز بدین وسیله فراگیر را تشویق می کند تا اطلاع خود را درباره موضوعی بیان کند ممکن است برای مرور کردن مطالبی که قبلاً تدریس شده اند مفید باشد، یا وسیله خوبی برای ارزشیابی میزان درک فراگیر از مفهوم مورد نظر باشد.

شیوه تمرینی

معلم معمولاً بوسیله تمرین، فراگیر را به تکرار مطلب یا کاربرد آن تشویق می کند تا فراگیر در موضوع مورد نظر تبحر لازم را کسب کند. مثلاً معلم انگلیسی از فراگیر می خواهد که با تکرار شفاهی اصطلاحات، تلفظ صحیح آنها را فراگیرد، یا بعد از یافتن طرز ساختن جملات شرطی، پنج جمله شرطی بسازد. ممکن است معلم ریاضی، پس از درس دادن مفهوم مشتق و طرز مشتق گیری از توابع، از دانش آموزان بخواهد که ده مسئله در رابطه با این موضوع حل کنند. در تمام موارد بالا معلم، با استفاده از شیوه تمرینی، دانش آموزان را به تکرار یا کاربرد مفاهیم مورد نظر تشویق می کند.

شیوه بحثی

در شیوه بحثی، دانش آموزان فعالانه در یادگیری شرکت می کنند و مفهوم مورد نظر را از یکدیگر می آموزند. در این شیوه معلم را می توان به عنوان محرک، شروع کننده بحث و راهنما تصور کرد. معلم طوری سوال یا مسئله را مطرح می کند که دانش

آموزان را به پاسخگویی یا حل مسئله تشویق کند این شیوه در دو مورد زیر کاربرد

خاصی دارد

- ۱ موقعی که معلم می خواهد مفهوم جدیدی را به فراگیران بیاموزد مانند موقعیت بالا و انتظار دارد که همه آنها مفهوم را به شکلی واحد در یابند در این صورت معلم سعی می کند که بحث را به جهتی بکشانند که شکل صحیح مفهوم از آن نتیجه گیری شود
- ۲ هدف معلم این است که ذهن دانش آموز را به تکاپو و جستجو وادارد در این صورت معلم مسئله ای را عنوان می کند که تا دانش آموزان راه حل آن را پیشنهاد کنند در این موقعیت معلم سعی می کند که موضوع بحث را به دلخواه خود کنترل نکند تا راه حلی را که خود در نظر دارد به کلاس تحمیل نکرده باشد

شیوه نمایشی

در این شیوه معلم معمولاً برای فهماندن مطلبی خاص به فراگیران از وسایل و اشیاء گوناگون استفاده می کند در صورتی که معلم نتواند برای فهماندن مطلب درسی آزمایش انجام دهد شیوه نمایشی می تواند شیوه خوبی برای روشن تر کردن مفهوم برای فراگیران باشد

شیوه آزمایشی روش اجرا کردن یا یادگیری بوسیله عمل

آزمایش فعالیتی است که در جریان آن فراگیران با به کار بردن وسایل و مواد بخصوصی در باره مفهومی خاص عملاً تجربه کسب می کنند آزمایش معمولاً در آزمایشگاه انجام میگیرد اما نداشتن آزمایشگاه مجهز یا وسایل مناسب در مدرسه نباید دلیلی برای انجام ندادن آزمایش در کلاس وسایل بسیار ساده ای لازم است که معلم و

حتی دانش آموز می تواند به آسانی آنها را تهیه کند. آزمایش، گاهی به منظور آشنا کردن دانش آموزان با جنبه های عملی یک مفهوم، مورد استفاده قرار می گیرد. برای اینکار معلم دستور عمل انجام آزمایش را در اختیار فراگیران می گذارد و انتظار دارد که دانش آموزان با استفاده از دستور کار سرانجام به نتیجه یکسانی برسند. در موارد دیگر آزمایش به منظور فراهم آوردن محیطی مناسب برای حل مسئله تلقی می شود. در اینصورت معلم جهت کلی فعالیت را مشخص می کند و فراگیران را بر آن می دارد تا در اجرای آزمایش به طور مستقل تصمیم گیری و نتیجه گیری کنند. آزمایش برای تدریس مفاهیم علوم تجربی به ویژه فیزیک، بسیار لازم است و بدون آن دانش آموز نمی تواند مفاهیم مورد نظر را به درستی فراگیرد.

شیوه گردش علمی

گردش علمی به دانش آموزان امکان می دهد که از طریق مشاهده طبیعت، وقایع، فعالیت ها، اشیاء و مردم تجزیه علمی بدست آورد. در گردش علمی دانش آموزان با مشاهده واقعیتهای می توانند مفاهیمی را که در در کلاس مورد بحث قرار می گیرد، بهتر در ذهن خود پیروانند و معلم می تواند با استفاده از این شیوه کنجکاوی فراگیران را درباره موضوعی خاص برانگیزد. در بعضی موارد، می توان از گردش علمی برای جمع آوری اطلاعات لازم برای انجام گرفتن آزمایش، یا یک پروژه، بهره گرفت. مثلاً اگر هدف درس (شناختن کانیهای دارای ارزش اقتصادی) باشد می توان دانش آموزان را به چند معدن برد تا کانیهای مختلف را جمع آوری کنند و آنها را در کلاس، بعد از آزمایشهای لازم، بشناسند.

استفاده از منابع دیداری و شنیداری

استفاده از منابع دیداری و شنیداری در تدریس را در حقیقت نمی توان شیوه مستقل و مجزا دانست. معلم در هر گونه تدریسی میث تواند از وسایل دیداری و شنیداری کمک بگیرد. گاهی می توان در تدریس از وسایلی نظیر رادیو، تلویزیون و ضبط و پخش صوت، نمودار و نقشه استفاده کرد. مثلاً معلم در هنگام سخنرانی ممکن است از عکس استفاده کند، یا برای نمایش دادن یک رابطه علمی از نمودار کمک بگیرد. در مواردی که معلم می خواهد یک موضوع اجتماعی را تدریس کند، ممکن است بحث رادیویی مناسبی را که روی نوار ضبط شده است برای فراگیران پخش کند. به طور کلی کاربرد صحیح منابع دیداری و شنیداری برای برانگیختن کنجکاوی دانش آموزان و تشویق آنها به فراگیران بسیار موثر است.

الگوی کاوشگری به شیوه حقوقی

این الگو برای کمک به دانش آموزان در بررسی مسایل اجتماعی از قبل عدالت، برابری، فقر، قدرت، تقویت رشد عمومی و اجتماعی آنها برای توجیه و حل اینگونه مسایل به شیوه مذاکره است. در این الگو معلم آغازگر، کنترل کننده جو برای ایجاد یک فضای مثبت کاری و عقلی، باز و پویا است و به فراگیران تفهیم می کند که یکدیگر را مستقیم ارزیابی نمایند، و به عقاید و نظرات همدیگر احترام بگذارند. این الگو بیشتر برای دوره های دبیرستان و دانشگاه کاربرد دارد و در نهایت باعث تقویت روحیه همدلی، قضاوت منطقی در خصوص مسائل اجتماعی تحلیل مناسب مسائل روز و تقویت کار دسته جمعی در دانش آموزان می شود. مثال: فرض کنید بعضی از دانش

آموزان با سهمیه ای شدن کنکور سراسری مخالف هستند، معلم از طریق شرکت سهامی فکر با دانش آموزان به بررسی این مهم می پردازد و در نهایت به کمک خود دانش آموزان آنها را قانع می نماید.

الگوی آموختن کنترل خود

هدف این الگو ایجاد تغییر رفتار مناسب در دانش آموزان است. مثال: دانش آموزی که در امتحان دچار اضطراب می شود یا از درس ریاضی می ترسد، به او می آموزد که چگونه رفتار خود را تغییر داده و موجب کاهش این اضطراب و ترس در خود شود. در این الگو معلم حامی دانش آموزان است و یک فضای مثبت ایجاد می کند تا آنها به اصلاح رفتار خود بپردازند. این الگو در سنین مختلف و همه دوره های تحصیلی کاربرد دارد، و در نهایت دانش آموزان را قادر به توصیف، توضیح، پیش بینی، کنترل و تغییر رفتار خود می نماید. بطور کلی معلم از طریق این الگو می تواند تغییرات مطلوب را در رفتار دانش آموزان ایجاد نماید.

الگوی ایفای نقش

هدف این الگو، رشد همدلی با دیگران و بررسی مسایل و واقعیت ها و ارزشهای اجتماعی در عمل است. این الگو می تواند باب افتتاح گفتگو در باره ی ارزشها و چگونگی اثر آنها در زندگی روزانه باشد. در این الگو معلم مسئول شروع و هدایت دانش آموزان است. به نحوی که آنها را قادر به تحلیل رفتار، ارزشهای فردی، همدلی، حل مسائل میان فردی، نقش ارزشها در مسائل اجتماعی و آسودگی در ابراز عقاید

نماید. این الگو در همه برنامه های آموزشی و پرورشی و سنین مختلف کار برد دارد. بطور کلی این الگو باعث افزایش فهم دانش آموزان در بهبود و گسترش ارزشهای اجتماعی می شود. برای مثال: معلم می تواند از طریق این الگو مسائل خوب و بد اجتماعی و یا رفتارهای خوب و بد را توسط دانش آموزان به نمایش بگذارد و سپس در مورد آن به کمک فراگیران به بحث و ارزشیابی پردازد. بدین ترتیب معلم از طریق عمل (نمایش) به بررسی مسائل اجتماعی، رفتاری و ارزشیابی آن توسط دانش آموزان می پردازد.

روش کارگاهی

روش تدریس کارگاهی یکی از روشهای موثر یاددهی و یادگیری است که در بیشتر موارد با روش سخنرانی، سمینار، کنفرانس و سمپوزیوم یکسان بکار برده می شود. برای درک بهتر روش کارگاهی ابتدا به مفاهیم ذکر شده می پردازیم و سپس روش کارگاهی را شرح می دهیم.

روش سخنرانی

قبلاً تشریح شده و در اینجا از شرح آن خودداری می نمایم.

سمینار

عده ای صاحب نظر هستند، که دور هم جمع شده و تبادل نظر می کنند. (البته تعداد افراد در سمینار محدود باشد، حداکثر ۱۰۰ نفر که به گروههای کوچک ۱۰ الی ۱۵ نفری تقسیم می شود و تبادل نظر می کنند و در نهایت کل گروهها به تبادل نظر می پردازند)

کنفرانس

محقق به نظریه ای رسیده است، آن را برای دیگران مطرح می کند.

سمپوزیوم

مانند سمینار است و تنها تفاوت آن با سمینار در این است که افرادی که در سمپوزیوم شرکت می کنند تخصصی تر سطح آگاهی آنها از دیگران برتر است (در سطح بالاتری از سمینار قرار دارد).

روش تدریس کارگاهی

مرحله آرایه درس کوتاه

این مرحله مبانی نظری مورد بحث توسط مدرس کارگاه تبیین و تحلیل می شود

مرحله فعالیت و کار

دانش آموزان، دانشجویان و یا کارورزان و مربیان شرکت کننده در کارگاه به گروههای کوچک ۲ الی ۳ نفره یا انفرادی تقسیم و بر روی موضوعات تعیین شده فعالیت می نمایند.

مرحله مشارکت

در این مرحله مجدداً دانش آموزان شرکت کننده در کارگاه که به گروههای ۲ الی ۳ نفره یا انفرادی تقسیم شده بودند، دور هم جمع می شوند، که به بحث و بررسی جمع بندی موضوعات تعیین شده می پردازد. (حداکثر زمان این مرحله از کل زمان کارگاه است). بدیهی است که در اجرای کلاس کارگاه آموزش باید از روش مهارت آموزی (ابتدا و انتهای فعالیت کاملاً مشخص شده است) سود جست. کاربرست روش تدریس کارگاهی می تواند نتایج آموزش را تضمین کند. البته با رعایت نکات زیر:

مرحله درسی کوتاه و فشرده:

- (۱) معلم ابتدا اهداف و انتظاراتی که از کارورزان و دانش آموزان دارد، دقیقاً بیان و تحلیل می نماید و از طریق آزمون تشخیصی، رفتار ورودی آنها را می سنجد.
- (۲) معلم مبانی نظری هر محور کلی را در سالن عمومی تبیین و تحلیل نموده و به رفع اشکالات کارورزان یا دانش آموزان در ابعاد نظری می پردازد. البته بهتر است قبل از تشکیل کارگاه مبانی نظری را (به منظور تسلط دانش آموزان) برای آنها ارسال کند.

۳) سپس معلم (مدرس) دانش آموزان را به گروه‌های کوچک کاری تقسیم نموده و یک نفر به عنوان مسئول و گزارشگر و یک نفر به عنوان منشی انتخاب که جلسات کارگاهی را اداره و نکات کلیدی را یادداشت نمایند.

۴) زمان بهینه برای این مرحله حداکثر معادل کل زمان کارگاه آموزشی است.

مرحله فعالیت گروهی و انجام وظایف انفرادی:

۱) در این مرحله کار مسئول گروه کاری، همانا استخراج مفاهیم کلیدی بر اساس مباحثات همه کارورزان است، سپس منشی گروه کاری کلیه نکات کلیدی را (که در مورد توافق اکثریت گروه است) نوشته و طبقه‌بندی می‌نماید. شایسته است که منشی جلسه کلیه نکات مطروحه را بر روی تابلو نوشته تا کلیه دانش آموزان آنها را مشاهده و سرانجام پس از نهایی شدن روی کاغذ منعکس نمایند.

۲) زمان بهینه برای این مرحله حداکثر معادل کل زمان کارگاه آموزشی است.

۳) محل تشکیل گروه‌های کاری باید جدا از یکدیگر باشد.

مرحله مشارکت و جمع‌بندی:

۱) کلیه دانش آموزان در سالن عمومی جمع شده و سپس مسئولین گروه‌های کاری به ترتیب گزارشی از نتایج مباحثات بر روی موضوعات مطروحه را ارائه و سپس نکات کلیدی مشخص و توصیه‌های کاربردی به عمل می‌آورند.

۲) زمان بهینه برای این مرحله همان حداکثر معادل کل زمان کارگاه آموزشی است. در

پایان یعنی مرحله ارزشیابی و بازخورد کارگاه، مدرس به اجرای آزمون پس خروجی

پرداخته و آن را با آزمون پیش ورودی مقایسه می نماید و نگرش دانش آموزان را

نسبت به کارگاه (البته بدون ذکر نام) دریافت می کند.

الگوی دریافت مفهوم

این الگو برای یاد دادن نحوه طبقه بندی کردن نحوه فکر کردن و چگونگی دریافت

مفهوم به دانش آموزان اهمیت دارد در این الگو معلم به عنوان حامی و هدایت گر

فرضیه های دانش آموزان است به نحوی که از قبل مفاهیم را انتخاب و در نمونه های

مثبت و منفی سازمان می دهد و فراگیران را جهت نیل به این مفهوم هدایت می کند این

الگو دانش آموزان قادر به مفهوم سازی پیشرفته مفاهیم خاص، استدلال استقرایی،

تسلط و آگاهی به چشم اندازه دوره ها، تحمل ابهام و حساسیت به استدلال منطقی در

ارتباطات می نماید مراحل الگوی تدریس دریافت مفهوم به شرح زیر است:

• عرضه مطالب و شناسایی مفهوم

• آزمون دستیابی به مفهوم

• تحلیل راهبردهای تفکر

الگوی تفکر استقرایی

این الگو باعث بهبود ظرفیت تفکر، گردآوری، سازماندهی و کنترل اطلاعات و نام

گذاری مفاهیم میشود به بیان دیگر این الگو باعث گردآوری اطلاعات سازماندهی و

کنترل مطالب میشود در این الگو معلم آغازگر فعالیت است زیرا فعالیتها از قبل به

وسیله معلم تعیین می شوند اما جو همکاری و دوستانه بین معلم و شاگردان وجود دارد

تماس یکایک دانش آموزان برای دسترسی به اطلاعات فراهم نماید این الگو منجر به

افزایش آگاهی فردی و رشد خود کنترلی دانش آموزان می گردد و در همه سطوح تحصیلی کاربرد دارد. مراحل تدریس الگوی تفکر استقرایی عبارتند از:

- تکوین مفهوم
- تفسیر مطالب
- کاربرد اصول یا عقاید

الگوی آموزش کاوشگری

این الگو باعث تقویت استدلال فراگیران، شناخت مفاهیم، فرضیه ها و آزمون آنها در دانش آموزان می شود. در این الگو جو همکاری بین معلم و شاگردان وجود دارد، ولی سیستم اجتماعی بیشتر توسط معلم به ترقیب فراگیران جهت آغاز کاوشگری می پردازد و شیوه های کاوشگری را به آنها یاد می دهد، این الگو منجر به یادگیری و تقویت مهارتهای جریان علمی، کاوشگری خلاق، تقویت روح خلاقیت، استقلال در یادگیری، تحمل ابهام و موقتی بودن دانش در دانش آموزان می شود.

مراحل تدریس الگو عبارت است از:

- مواجه نمودن فراگیران با مسئله
- گردآوری داده ها در خصوص مسئله و اثبات آن
- طبقه بندی داده ها (اطلاعات)

• تجزیه و تحلیل داده ها

• تحلیل جریان کاوش

الگوی پیش سازمان دهنده

این الگو باعث یادگیری با معنا در دانش آموزان می شود و در آن معلم، ساخت ذهنی را در دست دارد و همواره مطالب قبلی تمیز دهنده را در دست دارد و همواره مطالب یادگیری را به سازمان دهندگان ارتباط می دهد و به شاگردان کمک می کند تا مطالب جدید را از مطالب قبلی تمیز دهند این الگو منجر به تقویت مفاهیم، درون سازی معنی دار اطلاعات و افکار، عادت به تفکر منظم و منطقی و تقویت روحیه کاوشگری در دانش آموزان می شود، و برای کلیه سطوح تحصیلی مناسب است. مراحل پیش سازمان دهنده:

۱- از طریق روشن کردن منظور درس به وسیله مثال و تکرار.

۲- ارائه مطالب، یا وظیفه مورد نظر برای دانش آموزان با یک نظم منطقی.

۳- تحکیم سازمان شناخت از طریق یادگیری فعال و توافق مجدد و یک نظم منطقی.

۴- تحکیم سازمان شناخت از طریق یادگیری فعال و توافق مجدد و یکپارچه.

الگوی یادسپاری

این الگو باعث تاکید بر پردازش اطلاعات، افزایش یادسپاری و درونی کردن اطلاعات در دانش آموزان می شود. معلم و شاگردان بصورت یک گروه برای دادن مطالب جدید جهت یادسپاری تلاش می کنند. این الگو نیاز به عکس، وسایل مجسم، فیلم و

سایر مطالب دیداری و شنیداری دارد. معلم شاگردان را در تعیین موضوعها، جهتها و تصویرهای کلیدی یاری می‌کند. این الگو دانش آموزان را در تسلط بر حقایق و افکار سیستمی برای یادسپاری تقویت قدرت ذهنی و افزایش یادسپاری کمک و در تمام مراحل و سنین کاربرد دارد. مراحل تدریس این الگو عبارت است از:

۱- توجه به مطالبی که باید یادسپاری شوند. از طریق خط کشیدن زیر آنها و ...

۲- ایجاد ارتباط از طریق فنون کلمه کلیدی و کلمه جایگزین

۳- بسط تصاویر

۴- تمرین و یاد آوری به منظور آموخته شدن کامل

الگوی رشد عقلی

این الگو باعث سازگاری و متناسب نمودن آموزش با مراحل رشد فراگیران میشود. در این الگو کاوشگری در جوی اجتماعی و عقلی آزاد همراه است. معلم باید جو تسهیل کننده ای ایجاد تا شاگرد احساس خود را آزادانه بیان کند. این الگو منجر به تقویت جنبه های انتخابی رشد شناختی و جنبه های عاطفی و اجتماعی در دانش آموزان می شود. مراحل تدریس الگو عبارتند از:

۱- به وجود آوردن موقعیتی که مطابق رشد دانش آموز باشد.

۲- کاوشگری از طریق دریافت پاسخهای دانش آموزان.

۳- انتقال از طریق بررسی استدلال دانش آموزان.

الگوی کاوشگری علمی

این الگو باعث آموزش علمی به سبکهای مشخص و آموزش مفاهیم بنیادی در دانش آموزان می گردد. رسالت معلم در این الگو پرورش کاوشگری، ایجاد جوی توام با همکاری و داشتن انعطاف است. این الگو منجر به دانش علمی تعهد به کاوشگری علمی، ژرف اندیشی و روح مهارت همکاری در دانش آموزان می شود. مراحل این الگو عبارتند از:

- ۱- فراهم آوردن زمینه جسجوجو برای دانش آموزان.
- ۲- تعیین مسئله از سوی دانش آموزان.
- ۳- مشخص کردن مسئله در هر جسجوجو توسط دانش آموزان.
- ۴- دانش آموزان حدس در خصوص راههای توضیح مشکل می پردازند.

الگوی تدریس غیر مستقیم

این الگو باعث مشارکت فراگیران در یادگیری شده و به آنها یاد می دهد که چگونه خود را به فراگیری مطالب پرداخته و مسائل را حل نمایند. معلم نقش هادی، راهنما و تسهیل کننده را دارد و دانش آموز آغاز کننده به نحوی که معلم به دانش آموزان کمک می کند تا مسائل را تعریف و برای حل موفقیت آمیز آنها اقدام نمایند. همچنین معلم بایستی مکانی آرام توام با جو مثبت و اطلاعات مورد نیاز برای دانش آموزان فراهم نماید. این الگو دانش آموزان را قادر به افزایش آگاهی فردی، رشد خود، هدفهای اجتماعی و تحصیلی متنوع می نماید. مراحل تدریس این الگو عبارتند از:

۱- تعریف موقعیت توسط فراگیر به نحوی که معلم ابراز احساسات را ترغیب می کند.

۲- کشف مشکل بوسیله دانش آموزان .

۳- رشد بینش توسط بحث دانش آموزان در باره مسئله و حمایت معلم از آنها.

۴- برنامه ریزی و تصمیم گیری توسط دانش آموزان .

۵- یکپارچگی از طریق توسعه بینش دانش آموزان در خصوص مسئله و حمایت معلم از آنها.

الگوی بدایع پردازی (افزایش تفکر خلاق)

هدف این الگو افزایش تفکر خلاق و مشکل گشایی در مواقع خاص، برهم زدن سنتهای متداول و گسترش افقهای فردی و اجتماعی در دانش آموزان است. معلم سوالاتی از دانش آموزان می نماید، ولی پاسخ دانش آموزان کاملاً باز است و معلم بایستی کمک کند تا شاگردان تفکر خود را بسط دهند این الگو باعث رشد خلاقیت و نوع آوری، همبستگی گروه و برهم زدن سنتها در نزد انظار می شود.

مراحل تدریس الگو عبارتند از:

۱- توصیف وضعیت جدید به کمک معلم

۲- قیاس مستقیم به نحوی که معلم قیاس مستقیم (مقایسه ساده از دو موجود یا دو مفهوم) را پیشنهاد و از شاگردان می خواهد آنها را توصیف کنند.

۳- قیاس شخصی به نحویکه معلم شاگردان را به قیاس مستقیم (شدن) ترغیب میکند.

۴- مقایسه قیاسها از طریق شاگردان

۵- توضیح تفاوتها به کمک شاگردان

۶- اکتشاف به کمک شاگردان

۷- قیاس زایی، شاگردان مجدد به بیان شباهتها و تفاوتهای قیاس می پردازند.

الگوی آگاهی یابی

اهداف این الگو کمک به دانش آموزان برای توسعه آگاهی از توانایی های خویشتن در تفکر و احساسات گروهی، مناسب انسانی و ایجاد تصور ذهنی از خود است. معلم باید در این الگو انعطاف پذیر باشد. این الگو منجر به افزایش آگاهی، خود یک پارچگی روابط میان فردی می شود. مراحل این الگو عبارتند از:

۱- مشخص کردن تکلیف برای شاگردان از طریق ایجاد محیط امن برای آنها

۲- بحث و تحلیل در خصوص گام اول

الگوی دیدار در کلاس درس

این الگو برای کمک به فراگیران در پذیرش مسئولیت رفتار و شرایط اجتماعی است

معلم بایستی دارای شخصیتی صمیمی و ماهر در فنون بحث میان فردی باشد و بیشتر

اقدامات کنترل، ولی با دانش آموزان سهیم است. این الگو باعث استقلال و خود محبت

دهی و آزاد اندیشی می شود. مراحل الگو عبارتند از:

۱- استقرار فضایی از پذیرش مشارکت (تشویق دانش آموزان برای مشارکت و سخن

گفتن)

۲- طرح مسئله برای بحث بوسیله دانش آموزان یا معلم و بررسی پیامدهای آن

۳- بررسی قضاوت ارزشی توسط فراگیران در خصوص مسئله

۴- تعیین اقدام دیگر جایگزین از طریق توافق دانش آموزان که کدام مسئله را پیگیری

نمایند.

۵- التزام علمی دانش آموزان در برابر جمع

۶- پیگیری رفتاری از طریق سنجش رفتارهای جدید ایجاد شده در دانش آموزان .

الگوی پژوهش گروهی (تفحص گروهی)

این الگو برای کمک به دانش آموزان در تقویت مردم سالاری، تشریک مساعی و

آموزش آنها از طریق همکاری کاوشگرانه در فهم و مسائل اجتماعی و تحصیلی است

در این الگو معلم مانند یک مشاور عمل می کند و بایستی بتواند به درخواستهای دانش

آموزان پاسخ دهد و به کمک آنها نیازمندیهای آموزش را فراهم آورد. این الگو نیازمند

یک جو مثبت برای استدلال و مذاکره می باشد و در همه سنین و سطوح تحصیلی و

انجام کارهای گروهی کاربرد مناسبی دارد. این الگو در نهایت منجر به کاوشگری منظم

، کنترل و پویش موثر گروهی، تقسیم کار، مردم سالاری، تعهد و تمایل نسبت به

کاوشگری و هم کوششی در دانش آموزان می شود.

الگوی آموزش آزمایشگاهی

این الگو باعث افزایش فهم اجتماعی، مهارت، توانایی یادگیری و تقویت کار گروهی

در دانش آموزان می شود. معلم در این الگو نقش مشاور را ایفا نموده و دانش آموزان را

حمایت می نماید. در نهایت منجر به تقویت یادگیری و آموزش در بستر پژوهش در

آنها می شود. این الگو برای کلیه دروس به ویژه علوم دقیقه و در تمام دوره های تحصیلی و سنین مختلف کاربرد دارد.

الگوی کاوشگری علوم اجتماعی

این الگو باعث درک مسائل اجتماعی، از قبیل مردم شناسی، جامعه شناسی، فرهنگ شناسی، مهارت عقلی، آموختن اطلاعات، تشکیل مفاهیم و استفاده مناسب از مفاهیم در دانش آموزان می شود. در این الگو معلم موقعیت کاوشگری را ایجاد و از دانش آموزان می خواهد تا به بررسی و نتیجه گیری در مورد آن بپردازند. این الگو در تمام سنین و دوره های تحصیلی به ویژه در درس علوم اجتماعی کاربرد دارد. و در نهایت باعث تقویت فهم و درک دانش آموزان در خصوص مسائل اجتماعی می شود.

الگوی یادگیری در حد تسلط آموزش مستقیم

(نظریه اجتماعی یادگیری)

هدف این الگو ایجاد و تقویت مهارت های اساسی، مطالب آموختنی از ساده به مشکل و دادن مطالب درسی به صورت انفرادی به دانش آموزان و استفاده از تکنولوژی دیداری و شنیداری و دانش آموزان است. در این الگو معلم حامی دانش آموزان است و به آنها کمک می کند تا مستقل یاد بگیرند. این الگو در نهایت دانش آموزان را قادر به تسلط بر محتوای علمی، تقویت انگیزه درس خواندن، توانایی کنترل خود و تقویت عزت نفس می نماید. این الگو در همه دوره های آموزشی و سنین مختلف کاربرد دارد.

الگوی آموزش برای رشد مفهوم و مهارت

این الگو معمولاً به دو صورت زیر است

۱ الگوی نظریه و عمل

مانند یک مهارت ریاضی که در آن مهارت با نشان دادن ممارست باز خورد و نظارت

در هم می آمیزد تا دانش آموز بر آن مهارت تسلط یابد

۲ شبیه سازی که از توصیف موقعیت های زندگی ایجاد می شود

مثال معلم در درس جغرافیا کره زمین است و یا از مولاژ استفاده می کند و اندامها و دستگاه های

مختلف بدن انسان را نشان می دهد در این الگو معلم نقش هادی و راهنما را دارد و بایستی یادگیری

با تشکیل شرکت سهامی فکر بین دانش آموزان و معلم انجام گیرد این الگو در همه سنین و سطوح

تحصیلی کاربرد دارد و در نهایت باعث افزایش مفاهیم و مهارت های آگاهی درباره سیستم های

اجتماعی همدردی آگاهی از تنش تغییر و احساس اثر بخشی در دانش آموزان می شود

یادگیری معکوس Flipped Learning

به طور کلی، هدف اصلی از به کارگیری روش یادگیری معکوس، افزایش سطح مشارکت و تعامل دانش آموزان و دانشجویان با کلاس و استاد است. از سوی دیگر، استفاده از این روش منجر به یادگیری عمیق تر، پایدارتر و مفهومی تر مباحث و موضوعات درسی توسط فراگیران خواهد شد.

اهداف یادگیری معکوس :

افزایش تعامل فعال در کلاس: تبدیل کلاس درس از یک سخنرانی یک طرفه به یک محیط فعال برای بحث، حل مسئله و همکاری و پویایی است .

شخصی سازی یادگیری: فراهم کردن فرصت برای دانش آموزان تا با سرعت و روش یادگیری خود پیش بروند.

توسعه مهارت های تفکر انتقادی: تشویق دانش آموزان به تحلیل، ارزیابی و ترکیب اطلاعات به جای صرفاً

حفظ کردن آنها ست .

تقویت یادگیری خودتنظیمی: کمک به دانش آموزان برای مسئولیت پذیری در قبال یادگیری خود و مدیریت زمان به طور موثر.

بهبود دسترسی به محتوای آموزشی: فراهم کردن منابع آموزشی متنوع و قابل دسترس در هر زمان و مکان

افزایش انگیزه و مشارکت: ایجاد یک محیط یادگیری جذاب تر و مرتبط تر که انگیزه دانش آموزان را برای یادگیری افزایش دهد.

به همین دلایل، در حال حاضر، از این متد آموزشی در بسیاری از کشورهای توسعه یافته جهان و

در سطوح مختلف آموزشی، از مدارس ابتدایی تا دانشگاه ها و آموزش های تخصصی، به طور گسترده

استفاده می شود و نتایج مثبتی نیز به همراه داشته است.

یادگیری معکوس چه مزایایی دارد؟

مدیریت زمان بهینه: در کلاس درس سنتی، دانش آموزان مجبورند خود را با سرعت تدریس معلم هماهنگ

کنند، که این امر می‌تواند برای برخی که به زمان بیشتری برای درک مفاهیم نیاز دارند، چالش‌برانگیز باشد. در روش تدریس معکوس، دانش‌آموز سرعت و مدت زمان یادگیری مطالب اولیه را خود تعیین می‌کند.

به عنوان مثال، در یادگیری برنامه‌نویسی، فراگیران می‌توانند منابع آموزشی را بارها مرور کرده و در

صورت نیاز، زمان بیشتری را صرف درک مفاهیم پیچیده‌تر کنند. این امر منجر به یادگیری عمیق‌تر

و با کیفیت‌تر برای همه فراگیران می‌شود.

تقویت استقلال و خودراهبری در یادگیری: در حالی که یادگیری معکوس بر همکاری تیمی و راهنمایی

استاد تأکید دارد، به مرور زمان دانش‌آموز و فراگیر می‌آموزد که بدون حضور مستقیم معلم نیز می‌تواند مطالب

را فرا بگیرد و تنها برای رفع ابهامات و تعمیق درک خود به مربی مراجعه کند. این امر به تقویت حس استقلال،

خودتکایی و مسئولیت‌پذیری در قبال یادگیری منجر می‌شود، که از مهارت‌های ضروری برای موفقیت

در زندگی شخصی و حرفه‌ای است.

تقویت حس همکاری و کار تیمی: یکی از چالش‌های مهم در محیط‌های کاری و آموزشی، عدم توانایی

انجام کار تیمی و گروهی است. یادگیری معکوس با تأکید بر فعالیت‌های گروهی در کلاس درس،

به طور موثر این مهارت حیاتی را تقویت می‌کند. به عنوان مثال، در یک پروژه تیمی،

دانش‌آموزان یاد می‌گیرند چگونه با یکدیگر تعامل داشته باشند، وظایف را تقسیم کنند،

ایده‌ها را به اشتراک بگذارند و به طور مشترک به حل مسائل بپردازند. این تجربه عملی،

آنها را برای همکاری موثر در محیط‌های کاری آینده آماده می‌سازد.

درک بهتر و کامل‌تر مفاهیم و مطالب: همانطور که قبلاً اشاره شد، مطالعه مطالب پیش از کلاس

می‌تواند دانش‌آموزان را با سوالات و ابهاماتی مواجه سازد. هنگامی که در کلاس درس، توضیحات

و بحث‌های مربوط به این مطالب ارائه می‌شود، درک عمیق‌تر و کامل‌تری از سوی دانش‌آموزان

و فراگیران شکل می‌گیرد، زیرا آن‌ها با پیش‌زمینه‌ای از موضوع وارد کلاس شده و به دنبال

پاسخ سوالات خود هستند.

تقویت حس مسئولیت‌پذیری: یادگیری مطالب اولیه در روش یادگیری معکوس بر عهده خود فراگیر است.

این امر، همراه با فعالیت‌های گروهی در کلاس که هر عضو نقش و مسئولیت خاصی را بر عهده دارد،

به تقویت حس مسئولیت‌پذیری منجر می‌شود. دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که برای موفقیت گروه

و درک بهتر مطالب در کلاس، باید قبل از حضور، به مطالعه و یادگیری بپردازند.

افزایش زمان تعامل بین استاد و دانش‌آموز: در کلاس درس سنتی، بخش عمده‌ای از زمان به سخنرانی

معلم اختصاص می‌یابد و فرصت برای تعامل فردی با دانش‌آموزان محدود می‌شود. در یادگیری معکوس،

با انتقال آموزش مستقیم به خارج از کلاس، زمان بیشتری برای تعاملات فردی، پاسخگویی به سوالات،

ارائه بازخورد و راهنمایی‌های شخصی‌سازی‌شده توسط معلم فراهم می‌شود.

ایجاد محیط یادگیری جذاب‌تر و فعال‌تر: کلاس درس در رویکرد معکوس به فضایی پویا و تعاملی تبدیل می‌شود

که در آن دانش‌آموزان به جای شنوندگان منفعل، به شرکت‌کنندگان فعال در فرآیند یادگیری تبدیل می‌شوند.

بحث‌ها، فعالیت‌های گروهی و حل مسائل عملی، انگیزه و علاقه دانش‌آموزان به یادگیری را افزایش می‌دهد.

معایب روش تدریس معکوس

در کنار مزایای قابل توجهی که روش تدریس معکوس ارائه می‌دهد، تنها ایرادی که می‌توان به طور کلی به آن وارد دانست،

عدم امکان سازگاری کامل با تمامی فراگیران است

بسیاری از فراگیران، به ویژه در سنین پایین‌تر یا کسانی که سبک یادگیری آن‌ها به آموزش مستقیم و

حضور فعال معلم در زمان ارائه مطالب اولیه وابسته است، ممکن است در مواجهه با یادگیری خودآموز

در ابتدا دچار مشکل شوند. این گروه از افراد برای درک مفاهیم جدید نیاز به راهنمایی و تعامل مستقیم با مدرس در لحظه ارائه دارند. بنابراین، پیاده‌سازی صرفاً روش یادگیری معکوس بدون در نظر گرفتن نیازهای فردی و ارائه پشتیبانی‌های لازم، ممکن است برای این دسته از افراد نتایج مطلوب را به همراه نداشته باشد.

علاوه بر این، پیاده‌سازی موفقیت‌آمیز یادگیری معکوس نیازمند تلاش و آمادگی بیشتر از سوی معلم برای طراحی منابع آموزشی جذاب و کارآمد، برنامه‌ریزی فعالیت‌های کلاسی تعاملی و ارائه بازخورد مستمر به دانش‌آموزان است. همچنین، دسترسی به فناوری و اینترنت پرسرعت برای همه دانش‌آموزان نیز یک پیش‌شرط مهم برای اجرای موثر این روش محسوب می‌شود.

نتیجه تدریس معکوس :

به عنوان یک متد نوین آموزشی، پتانسیل بالایی برای ارتقای کیفیت آموزش، تعمیق یادگیری و افزایش مشارکت فعالانه فراگیران دارد. امروزه، در بسیاری از کشورهای پیشرو در عرصه آموزش، از این متد به طور فزاینده‌ای در آموزش علوم کاربردی نظیر برنامه‌نویسی و سایر حوزه‌ها استفاده می‌شود و نتایج به دست آمده، گواهی بر تأثیرات مثبت این رویکرد آموزشی است.

با وجود برخی چالش‌های اجرایی و محدودیت‌های احتمالی در سازگاری با تمامی سبک‌های یادگیری، یادگیری معکوس با ارائه فرصت‌های بیشتر برای تعامل، همکاری و یادگیری خودراهبر، می‌تواند نقش مهمی در آماده‌سازی نسل آینده برای مواجهه با چالش‌های دنیای پیچیده و پویای امروز ایفا کند. اگر شما نیز در ابتدای مسیر یادگیری برنامه‌نویسی یا هر حوزه آموزشی دیگری هستید، آشنایی با این روش و بهره‌گیری از اصول آن می‌تواند تجربه یادگیری شما را متحول سازد.

آموزش مبتنی بر شایستگی competency-based education

نوعی آموزش است که هدف آن دستیابی به یک مجموعه شایستگی‌های خاص توسط یادگیرنده می‌باشد.

شایستگی‌ها در اینجا به معنای مجموعه‌ای از دانش، مهارت‌ها و نگرش‌هایی است که فرد برای عملکرد

موفق در یک حوزه مشخص نیاز دارد. این رویکرد بر توانمندی‌های فردی تأکید دارد و به جای

اندازه‌گیری موفقیت یادگیرنده با واحدهای زمانی، توانایی وی در دستیابی

به نتایج قابل ارزیابی را معیار قرار می‌دهد.

اهداف و اهمیت آموزش مبتنی بر شایستگی

این نوع از آموزش به دلیل تمرکز بر یادگیری مؤثر و کاربردی، اهمیت ویژه‌ای در نظام‌های آموزشی

و توسعه فردی و حرفه‌ای دارد. هدف اصلی این نوع آموزش، تربیت افرادی است که بتوانند با توجه

به نیازهای واقعی بازار، کار و جامعه، عملکرد مؤثری داشته باشند.

همچنین، این رویکرد به یادگیرندگان کمک می‌کند تا مهارت‌های لازم را برای موفقیت در زندگی

حرفه‌ای و شخصی خود به دست آورند و از آموزش تئوری فاصله بگیرند.

ویژگی‌های یادگیری مبتنی بر شایستگی

این امر دارای ویژگی‌های خاصی است که آن را از سایر رویکردهای آموزشی متمایز می‌کند.

برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از:

تمرکز بر نتایج: یادگیری: در این روش بر اساس نتایج قابل ارزیابی تعریف می‌شود و

هدف آن کسب توانایی‌های خاص است.

توجه به سرعت یادگیری فردی: این روش به افراد اجازه می‌دهد تا با سرعت خودشان

یاد بگیرند و زمان مورد نیاز برای دستیابی به شایستگی‌ها را تعیین کنند

ارزیابی مستمر: ارزیابی مداوم و بازخورد مستمر بخشی از این نوع آموزش است تا اطمینان

حاصل شود که یادگیرنده واقعاً به شایستگی‌ها دست یافته است. شاخص های ارزیابی مستمر

باید بازخورد را به مدیران نشان دهند.

تطبیق پذیری و انعطاف پذیری: برنامه‌های آموزشی بر این اساس به راحتی قابل تغییر و تطبیق

با نیازهای خاص یادگیرندگان و جامعه هستند.

مزایای یادگیری مبتنی بر شایستگی

این رویکرد آموزشی دارای مزایای فراوانی است که می‌تواند به بهبود سیستم‌های

آموزشی و تربیت نیروی انسانی کمک کند. برخی از مزایای آن شامل موارد زیر است

توسعه مهارت‌های کاربردی: این نوع از آموزش یادگیرندگان را به طور عملی برای استفاده از

مهارت‌ها و دانش در دنیای واقعی آماده می‌کند.

بهبود بهره‌وری: با تمرکز بر شایستگی‌ها، افراد سریع‌تر به اهداف یادگیری خود می‌رسند

و می‌توانند مهارت‌های لازم را بدون اتلاف وقت کسب کنند

افزایش انگیزه: این نوع آموزش به افراد امکان می‌دهد تا بر اساس توانایی‌ها و سرعت

خود یاد بگیرند که منجر به افزایش انگیزه در یادگیری می‌شود

انعطاف پذیری بیشتر: این رویکرد آموزشی انعطاف‌پذیری بیشتری

نسبت به روش‌های سنتی دارد و می‌تواند به نیازها و شرایط خاص یادگیرندگان پاسخ دهد.

چالش‌های نیازسنجی آموزشی مبتنی بر شایستگی

نیاز به ارزیابی‌های دقیق: برای اطمینان از دستیابی به شایستگی‌ها، ارزیابی‌های دقیقی

لازم است که ممکن است زمان بر و هزینه بر باشد

کمبود منابع و امکانات: در بسیاری از مواقع، زیرساخت‌های لازم برای پیاده‌سازی

کامل این نوع آموزش در دسترس نیست.

پیچیدگی در تدوین برنامه‌ها: طراحی برنامه‌های آموزشی مبتنی بر شایستگی

به دانش و مهارت‌های خاص نیاز دارد و ممکن است برای برخی مؤسسات آموزشی

پیچیده باشد

مقاومت در برابر تغییر: تغییر از روش‌های سنتی به این مدل آموزشی، ممکن است

با مقاومت‌هایی از سوی مدرسین و دانش‌آموزان مواجه شود.

این نوع آموزش برای چه مواردی استفاده می‌شود؟

این نوع آموزش، به کارفرمایان یا مدیران کمک می‌کند تا تعیین کنند آیا کارکنان مجموعه مهارت‌های مناسبی

برای تکمیل وظایف محول شده خود و رشد در نقش‌های پیشرفته‌تر دارند یا خیر؟

به جای مفاهیم انتزاعی، بر کمک به کارکنان برای توسعه مهارت‌ها و دانش عملی متمرکز است.

این ابزار ابزارهای مورد نیاز برای ارزیابی موثر کارمندان برای رشد و پیشرفت در

نقش‌های خود را در اختیار کسب‌وکارها قرار می‌دهد و سپس فرصت‌های آموزشی ارزشمندی

را برای زمانی که شکاف‌هایی ایجاد میشود را فراهم نماید .

آینده مبتنی بر آموزش شایستگی

با توجه به تغییرات سریع در نیازهای بازار کار و رشد فناوری، آینده چنین سبک آموزشی

بسیار روشن به نظر می‌رسد. این رویکرد می‌تواند به یادگیرندگان کمک کند تا در دنیای

پرچالش امروزی، به مهارت‌های لازم دست یابند و توانایی‌های خود را به‌روز نگه دارند.

به‌ویژه در حوزه‌هایی که سرعت تغییرات زیاد است، این سبک آموزشی می‌تواند

ابزاری مؤثر برای تربیت نیروی کار متخصص و ماهر باشد. مهارتی ایجاد می‌شود فراهم می‌کند

نتیجه‌گیری

یادگیری مبتنی بر شایستگی به عنوان یک رویکرد آموزشی کاربردی و اثربخش،

می‌تواند تحول بزرگی در زمینه آموزش و تربیت نیروی انسانی ایجاد کند

. با تمرکز بر شایستگی‌ها و توانمندی‌های واقعی، افراد می‌توانند

برای مواجهه با چالش‌های شغلی و اجتماعی آماده شوند.

به طور کلی، این نوع آموزش می‌تواند نقش مؤثری در بهبود بهره‌وری فردی

و سازمانی داشته باشد و به توسعه پایدار جامعه کمک کند.

"آموزش جزیره‌ای"

Islanding Education

«آموزش جزیره‌ای در مدرسه: داستان «جزیره تجدیدی‌ها ست .

ریشه‌اش به همون سیستم آموزشی قدیم برمی‌گردد. تصور کنید یک سال تحصیلی

مثل یک سفر دریایی طولانی آخر سال، همه به "بندر قبولی" می‌رسند،

اما بعضی دانش‌آموزان در یکی یا دو درس (مثلاً ریاضی یا فیزیک) از کشتی جاموندند

. اینجا سیستم آموزشی به جای اینکه کل سال را براشون تکرار کند، در نظر می‌گیرد که :

«تابستون رابروید در یک جزیره آموزشی جدا، همان درس‌هایی را که مانده است را می‌خوانید

و امتحان می‌دهید، قبول شدید، سوار کشتی اصلی می‌شوید و بعد به پایه بعدی می‌روید .

شرط ورود به جزیره: معمولاً دانش‌آموز نباید بیشتر از ۴ درس را مردود شده باشد.

اگر تعداد درس‌های تجدیدی بیشتر باشد، اصطلاحاً «مردود کلی» می‌شود

و باید کل پایه را دوباره بخواند.

برنامه جزیره: در تابستون (معمولاً مردادماه)، مدرسه کلاس‌های فشرده می‌گذارد و

آخر هم امتحان. می‌گیرد نمره مهم است. جالب است بدانید قدیمی‌ترها به امتحان

شهریورماه می‌گفتند «امتحان جزیره» چون حس می‌کردند از بقیه بچه‌ها جدا افتادند

حس و حالش: تلخ و شیرین است. از یک طرف استرس و حسرت تابستان از دست رفته

را دانش‌آموز دارد و از طرف دیگر یک فرصت دوباره‌ست برای نجات خودت بدون اتلاف یک سال کامل.

معانی متفاوت آموزش جزیره ای

در آموزش و پرورش (معنی رایج در ایران)

الف - در سیستم آموزشی ایران، آموزش جزیره‌ای به کلاس‌های جبرانی تابستانی گفته می‌شود که برای

دانش‌آموزانی است که در یک یا چند درس نمره قبولی نیاوردند و اصطلاحاً «تجدید» شدند.

به این کلاس‌ها "کلاس جزیره" یا "امتحان جزیره" می‌گویند.

هدف دانش‌آموز در تابستان همان درس‌هایی است که مردود شده و شرکت می‌کند و

اگر امتحانش را پاس کند، می‌تواند به پایه بعدی برود.

مزایا (فرصت‌ها) آموزش جزیره ای

۱- شانس دوباره (بزرگ‌ترین مزیت): مهم‌ترین حسنش این است که یک سال کامل از

عمر دانش‌آموز را هدر نمی‌دهد. فقط دانش‌آموز چند هفته را از دست می‌دهد.

این یعنی تحمل شکست و فرصت جبران.

۲- تمرکز روی نقاط ضعف: دانش‌آموز به جای اینکه همه درس‌ها را دوباره بخواند

فقط روی همان ۲ یا ۳ درسی که مشکل داشته است متمرکز میشود.

این یادگیری هدفمند و عمیق‌تر است.

۳- کلاس‌های خلوت‌تر: معمولاً تعداد دانش‌آموزان کلاس جزیره کم است. این یعنی وقت بیشتری از معلم می‌گیرند و راحت‌تر سوال می‌پرسند و معلم هم بهتر می‌تواند اشکالاتشان را بفهمد. مثل یک کلاس نیمه خصوصی است.

۴- آمادگی روانی برای پایه بعد: فرض کنید دانش‌آموزی ریاضی را پاس کند. اما ضعیف باشد اگر به پایه بعد برود ریاضی سخت‌تر را نمی‌فهمد. اما کلاس جزیره باعث می‌شود پایه‌اش رو قوی کند و برای پله بعدی آماده بشود.

معایب (تهدیدها) آموزش جزیره ای

۱- سوختن تعطیلات تابستان: دانش‌آموز مجبور است برای جبران درس‌هایی که موجب تجدید شده است، فرصت‌های تابستان را از دست بدهد.

۲- برجسب اجتماعی (انگ): متأسفانه در فرهنگ مدرسه‌ای ما، به بچه‌های تجدیدی گاهی به چشم «ضعیف» یا «تنبل» نگاه می‌شود. این برجسب می‌تواند اعتماد به نفس دانش‌آموز را حسابی خرد کند و حس حقارت به او بدهد.

۳- کیفیت پایین تدریس: معلم به علت بی‌حوصلگی در تدریس از کیفیت آموزش می‌کاهد و برای دانش‌آموز بازدهی لازم را ندارد.

۴- استرس و فشار مضاعف: دانش‌آموز یک بار شکست خورده است، حالا با استرس امتحان شهریور مواجه‌ست. اگر این امتحان را هم خراب کند، دیگه راه برگشتی نیست و واقعاً مردود می‌شود این فشار روانی گاهی برای یه نوجوان خیلی زیاد است و نتیجه رابتر می‌کند.

روش یادگیری معکوس با رویکرد "حداقلی"

بارویکرد حداقلی «با کمترین امکانات و بدون گم شدن در فناوری، چطور کلاس را معکوس کنم؟»

اجزای این مدل حداقلی فقط ۳ تا بخش اصلی دارد اگر این سه مورد را داشته باشیم، کلاس معکوس برقرار است:

۱- محتوای پیش از کلاس که شامل:

هدف - تکلیف خواندنی - پادکست صوتی است.

۲- تضمین آمادگی

*هدف: دانش‌آموز بدون دیدن محتوا وارد کلاس می‌شود و ذهنیت او از محتواهای مختلف است و این اشکال کلاس معکوس است.

در مدل حداقلی

*سوال کوتاه ابتدای کلاس: به جای امتحان سخت، معلم یه برگه کوچیک با ۲-۳ سوال مفهومی ساده می‌دهد.

(مثلاً: «دیروز تو فیلم گفتیم علت اصلی جنگ جهانی چی بود؟ یک خط توضیح بده.»)

- ***مبهم‌ترین نکته:** هر دانش‌آموز روی یک تکه کاغذ می‌نویسد «مبهم‌ترین چیزی که دیشب متوجه نشدم» • چی بود؟» معلم سریع نگاه می‌کند و متوجه شکاف‌ها می‌شود.

۳-فعالیت عمیق در کلاس

هدف: حالا که همه یک پیش‌زمینه دارند، به جای سخنرانی، کلاس را تبدیل به کارگاه حل مسئله کنیم. :این قلب مدل معکوس است .

- **حل مسئله گروهی:** ۵ تا سوال چالشی روی تخته دانش‌آموزان ۲ نفره حل می‌کنند • «مناظره: شما مدافع این نظریه باش، تو منتقدش •

حالا به من یاد بدهید»: دانش‌آموز باید مطلبی رو که دیشب خواندند، به هم‌گروهی هایشان با زبان خودشان توضیح بدهد.

ارائه بازخورد مؤثر مبتنی بر شواهد مستند

Effective Feedback

این دقیقاً مکمل روش بالاست. در کلاس معکوس، چون معلم آزاد می‌شود بین بچه‌ها بچرخد،

می‌تواند این کار را بکند. اما فرمولش چیست که واقعاً تأثیر بگذارد؟ بازخورد مؤثر و مبتنی بر شواهد،

با بازخوردهای بی‌خاصیت مثل «آفرین، خوب بود» زمین تا آسمان فرق دارد .

۱-مشاهده مستند: اینجا نباید قضاوت یا برچسب بزنیم. فقط سند را رو می‌کنیم

«بازخورد بی‌خاصیت: «انشات خیلی ضعیفه •

بازخورد مستند: «در پاراگراف دوم انشات، ۳ تا فعل رو بدون نهاد آوردی؟

همینطور در نتیجه‌گیری از کلمه "چیز" سه بار استفاده کردی.

۲-ارجاع به معیار: هر جمله باید حداقل یک نهاد و یک فعل داشته باشد (معیار)؟

در نتیجه‌گیری حق استفاده از کلمات مبهم مثل "چیز" را نداریم.

۳-تحلیل شکاف: به جای سرزنش، علت‌شناسی کنیم،

سوال از دانش‌آموز:

«به نظرت چرا اینجا این اتفاق افتاد؟ عجله داشتی؟ یا قواعد نهاد و فعل رو خوب یاد نگرفته بودی؟»

(این مهم‌ترین بخش است، شاید دانش‌آموز بگوید: من اصلاً نمی‌دونستم نهاد چیه!» پس مشکل از جای دیگه‌ست.

۴-راهکار عملیاتی: بازخورد بدون راهکار، فقط ناامیدکننده است. به جای تمرکز بر گذشته است .

معلم به دانش‌آموز می‌گوید: «برو این ۳ جمله رو به بار دیگه بنویس و این بار

زیر نهادش خط بکش. فردا قبل از کلاس بذار روی میزم. فقط ۵ دقیقه وقت می‌گیرد.

جمع‌بندی: ترکیب جادویی این دو

نمونه ای از آموزش واقعی

معلم دیشب یه ویدئوی کوتاه داده بود .

صبح با یک سوال کوتاه می‌فهمد دانش آموزان چقدر مفهوم را فرا گرفته اند (یادگیری معکوس).

حالا به جای درس دادن بین بچه‌ها می‌چرخد و .

یک برگه از دست‌خط دانش آموز را می‌بیند

.

معلم می‌گوید : «علی، ببین، در این مسئله ریاضی، راه‌حلت درست است؟ (شواهد)،

اما صورت سوال رو اشتباه خوندی. سوال مساحت دایره رو می‌خواست،

تو محیط رو حساب کردی (معیار). انگار عجله کردی درسته؟

(تحلیل) بیا یه بار دیگه با مداد دور کلمه "مساحت" را خط بکش.

و دوباره حلش کن (راهکار). این یعنی آموزش واقعی..

طراحی یادگیری مبتنی بر خطایابی

Learning Design Based on Error Detection

ایده اصلی

به جای اینکه از اشتباه دانش آموز بترسیم و سریع اصلاحش کنیم، عمداً خطا رو به متن

آموزش می‌اریم تا دانش آموز با چشم باز بچرخد و یاد بگیرد.

اجزای طراحی

ارائه یک نمونه غلط: معلم یک مسئله، جمله یا استدلال رو با یک اشتباه رایج نشان می‌دهد

(مثلاً: « من این جمع رو حل کردم: $\frac{1}{2} + \frac{1}{3} = \frac{1}{5}$. به نظرتون درسته؟»

اکتشاف خطا (نه فقط تشخیص): از بچه‌ها می‌خواهیم که خودشان غلط را پیدا کنند «چرا غلطه؟»

این کار باعث می‌شود قوانین رو عمیق‌تر بفهمند. صرفاً گفتن «غلط است» کافی نیست،

• باید متوجه شوند

یک مثال ملموس که دانش آموز می‌نویسد داش آموزان دیگر باید خطا را پیدا کنند.

طراحی یادگیری مبتنی بر تفکر با صدای بلند

Think-Aloud Based Learning Design

ایده اصلی

افکار درونی معلم یا دانش آموز رو مثل یک بلندگو پخش کنیم. یعنی فرایند حل مسئله،

استدلال و شک‌ها را شفاهی بیان کنیم و نه فقط جواب نهایی را. که می‌تواند دوحالت داشته باشد :

الف) معلم فکر می‌کند با صدای بلند: معلم یه مسئله سخت راحل می‌کند و

هم زمان هر چیزی که از ذهنش می‌گذرد را می‌گوید .

خوب، صورت سوال را می‌خوانم ،اینجا یه کلمه "کمترین" هست، یعنی باید مینیمم رو پیدا کنم»

آها، الان گیر کردم. این عدد منفی شد، طبیعی نیست.»
مجدد بررسی کنم که کجا را اشتباه انجام دادم ..

ب) دانش آموز فکر می کند با صدای بلند:

از دانش آموز می خواهیم وقتی یک تمرین را حل می کند هم زمان توضیح بدهد که چگونه انجام می دهد ؟
معلم لایه های پنهان دانش آموز را متوجه می شود .
در این زمان معلم متوجه می شود دانش آموز تصادفی فهمیده یا عمقی موضوع را درک کرده است.
تفکر با صدای بلند به دانش آموز کمک میکند تا مسئله «مدیریت گیجی» که مسیر حل مسئله است را دریابد .

فناوری های کم هزینه مبتنی بر یادگیری عملکرد

Performance-Based Learning

ایده اصلی :

هدف «انجام دادن» یک کار واقعی است، نه فقط مصرف یک محتوای دیجیتال.... و لازم نیست.

اجزای آن:

انتخاب یک تکلیف عملکردی چیزی که دانش آموز باید «بسازد» یا «انجام دهد»
معلم به دانش آموز:: «برای رستوران مورد علاقه ات یک منوی انگلیسی بنویس و یک ویدئوی کوتاه ۶۰ ثانیه ای آماده کن .
برای کار تبلیغات دانش آموز می تواند از فناوری کم هزینه: به جای خرید نرم افزارهای گران
از ابزارهایی که خود دانش آموزان دارند ، استفاده کنند مثل :
دوربین موبایل برای فیلمبرداری
پیام رسان (بله یا شاد) برای ارسال تکلیف یا حتی جواب ویس دادن.
گوگل فرم (که رایگان است) برای ساخت آزمون های خودکار رایگان برای طراحی پوستر یا اسلاید.

ارزیابی بر اساس عملکرد: معلم به جای اینکه نمره دهد به محصول نگاه می کند
و بر اساس یک چک لیست ساده بازخورد می دهد: «تلفظ کلمه سوم رو درست ادا کردی، ؟
و توی منو قیمت ها رو فراموش کردی؟
مغز ما موقع «ساختن» و «اجرا کردن» خیلی بهتر از موقع «شنیدن» یاد می گیرد.
فناوری فقط یک چسب است که این ساختن را ممکن می کند.

اجرای مدل یادگیری همسالان

Implementation of Peer Learning Model

ایده اصلی

دانش آموزان به هم آموزش می دهند. این فقط «بچه های قوی به ضعیف ها کمک کنند» نیست
بلکه یک تعامل ساختاریافته است که هر دو طرف یاد می گیرند.
یک قالب ساده و اجرایی در کلاس (مدل مازور)

تدریس کوتاه: معلم فقط ۱۵-۱۰ دقیقه مفهوم اصلی رو توضیح می‌دهد
سوال مفهومی: یک سوال چندگزینه‌ای چالشی روی تخته می‌گذارد یعنی کاربردی و مفهومی.
رای‌گیری فردی: هر دانش آموز با یک کاغذ رنگی گزینه خودش را نشان می‌دهد
معلم پاسخ‌ها را می‌بیند و بدون اینکه به جواب درست اشاره کند
گفت‌وگوی همسالان: دانش آموزان با یکدیگر (به‌ویژه کسی که جواب متفاوتی دارد) بحث می‌کنند.
دانش آموزان با زبان خودشان برای هم توضیح می‌دهند و با رای‌گیری مجدد
معمولاً درصد پاسخ‌های درست به‌طور چشمگیری بالا می‌رود.
توضیح نهایی: معلم پاسخ درست را توضیح می‌دهد و سوء تفاهم‌ها را برطرف می‌کند و جواب نهایی را می‌گوید.

شرایط موفقیت :

سوال باید چالش برانگیز باشد، نه بدیهی. طوری که حداقل ۳۰٪ کلاس اشتباه جواب بدهند
گروه‌ها رو تصادفی بچینیم، نه اینکه دانش آموزان دوست صمیمی‌شان را انتخاب کنند
معلم نقش تسهیل‌گر رو دارد و بین گروه‌ها می‌چرخد و فقط گوش می‌دهد جواب نمی‌دهد.

تدریس پرسش‌گری حرفه‌ای

Professional Questioning Instruction

تکنیک «زمان انتظار»:

بسیاری از معلمان بلافاصله بعد از پرسش، انتظار پاسخ دارند
یا خودشان جواب را می‌گویند.

روش اجرا:

بعد از پرسیدن سوال:
حداقل ۳ تا ۵ ثانیه سکوت کنید
اثر: این سکوت به دانش‌آموزان فرصت می‌دهد
تا پردازش ذهنی عمیق‌تری انجام دهند. تحقیقات نشان داده است
که این کار، کیفیت پاسخ‌ها را تا ۳۰۰ درصد بهبود می‌بخش
و باعث می‌شود دانش‌آموزان ضعیف‌تر هم جرات پاسخ دادن پیدا کنند.

تکنیک «پرسش‌های سقراطی»:

به جای دادن جواب مستقیم، با سوال، ذهن مخاطب را به چالش می‌کشید
تا خودش به نتیجه برسد.

شفاف‌سازی: منظورت از این حرف دقیقاً چیست؟
بررسی پیش‌فرض‌ها: چرا این فکر را می‌کنی؟
چه چیزی باعث شده به این نتیجه برسی؟

بررسی پیامدها: اگر این اتفاق بیفتد، چه نتیجه‌ای در پی خواهد داشت؟

تکنیک «کاوشگری»:

زمانی استفاده می‌شود که دانش‌آموز یک پاسخ سطحی یا کوتاه می‌دهد. شما نباید به آن اکتفا کنید.

روش اجرا: از جملاتی مثل این‌ها استفاده کنید

«چرا فکر می‌کنی این روش بهتره؟» «...بیشتر برام توضیح بده»

آیا می‌تونی مثالی از زندگی واقعی براش بزنی؟

تکنیک انعکاس :

به جای اینکه شما به عنوان معلم قضاوت کنید (درست است یا غلط) توپ را به زمین دیگران بیندازید

روش اجرا: وقتی دانش‌آموز (الف) پاسخ می‌دهد، شما به دانش‌آموز (ب) بگویید

علی، تو با نظر رضا موافقی؟ چرا»

«زهره، می‌تونی حرف مریم رو به زبان خودت بازنویسی کنی؟» * «علی، تو با نظر رضا موافقی؟ چرا؟

اثر : این کار باعث می‌شود تمام کلاس با دقت به حرف‌های هم گوش دهند، نه فقط به حرف معلم.

تکنیک «ساختمان‌سازی»: اگر سوال بزرگ است و کسی جواب نمی‌دهد، آن را به قطعات کوچک‌تر تقسیم کنید

تکنیک «سوالات باز در برابر سوالات بسته»:

سوالات بسته (که جوابشان بله/خیر یا یک کلمه است) قاتل خلاقیت هستند

روش اجرا : سوالات را با «چطور»، «چرا» و «چه می‌شد اگر...» شروع کنید (سوالات باز)

«چطور می‌توانیم از این فرمول برای حل این مسئله استفاده کنیم؟» (درست است)

تدریس چرخشی

یکی از محبوب‌ترین و مؤثرترین مدل‌های «یادگیری ترکیبی روش تدریس چرخشی» است .

در این روش، کلاس به چند «ایستگاه» تقسیم می‌شود و گروه‌های دانش‌آموزان

در زمان‌های مشخص از یک ایستگاه به ایستگاه دیگر می‌روند.

دانش‌آموزان به گروه‌های کوچک تقسیم می‌شوند

و مثلاً هر ۲۰ دقیقه، با صدای زنگ یا موسیقی، جای گروه‌ها عوض می‌شود.

ایستگاه آموزش مستقیم :

معلم با گروه کوچکی از دانش‌آموزان (مثلاً ۷-۵ نفر) مستقیماً کار می‌کند

مزیت: معلم می‌تواند روی نقاط ضعف خاص هر دانش‌آموز تمرکز کند. در اینجا فرصت برای پرسش و پاسخ عمیق

فراهم است.

ایستگاه یادگیری آنلاین:

دانش‌آموزان با استفاده از تبلت، لپ‌تاپ یا گوشی، محتوای دیجیتال را مشاهده می‌کنند.
(مثل تماشای یک کلیپ آموزشی، انجام یک کوئیز آنلاین یا کار با یک نرم‌افزار شبیه‌ساز).
مزیت: دانش‌آموز با سرعت خودش یاد می‌گیرد؛ می‌تواند ویدیو را عقب بزند یا دوباره تماشا کند.

ایستگاه فعالیت گروهی یا فردی:

دانش‌آموزان بدون حضور مستقیم معلم، روی یک پروژه، حل تمرین، یا آزمایش علمی کار می‌کنند

مزیت: تقویت مهارت حل مسئله، همکاری تیمی و مسئولیت‌پذیری.

مزایای این روش برای معلمان و دانش‌جویان:

خدا حافظی با خستگی: چون محیط و نوع فعالیت هر ۲۰ دقیقه عوض می‌شود، دانش‌آموزان اصلاً خسته نمی‌شوند

عدالت آموزشی: معلم وقت دارد با دانش‌آموزان ضعیف‌تر بیشتر کار کند و دانش‌آموزان قوی‌تر را با چالش‌های سخت‌تر در ایستگاه آنلاین سرگرم کند
مدیریت بهتر کلاس: کار کردن با یک گروه کوچک ۵ نفره بسیار آسان‌تر از کنترل یک کلاس ۳۰ نفره است.

چطور این روش را اجرا کنیم؟

نقشه حرکت داشته باشید: قبل از شروع، روی تخته بکشید که هر گروه بعد از زنگ به کدام ایستگاه می‌رود.
زمان‌سنج: حتماً از یک تایمر بزرگ روی صفحه نمایش کلاس یا ساعت استفاده کنید
قوانین انتقال: به دانش‌آموزان یاد بدهید که در زمان جابه‌جایی (مثلاً ۱ دقیقه فرصت دارند) باید با کمترین صدا وسایلشان را جمع کنند و به ایستگاه بعد بروند.

ایستگاه ذخیره:

همیشه یک فعالیت ساده (مثل مطالعه آزاد یا معما)
برای کسانی که زودتر از زمان مقرر کارشان در یک ایستگاه تمام می‌شود، آماده داشته باشید.

راهبردهای پیشرفته هیجان و انگیزش

Advanced Strategies for Emotion and Motivation

یکی از قوی‌ترین رویکردها برای ایجاد یک محیط یادگیری پویا و اثربخش است.
این بدان معناست که معلم نه تنها محتوا را منتقل می‌کند،

بلکه فضایی ایجاد می‌کند که دانش‌آموزان می‌خواهند یاد بگیرند.
و احساسات منفی کمتری نسبت به چالش‌ها داشته باشند

بخش اول - راهبردها را در بستر کلاس درس و آموزش:

بخش اول: راهبردهای انگیزش در روش تدریس: معلم حرفه‌ای،
انگیزه‌ها را در دانش‌آموزان ایجاد و تقویت می‌کند، نه اینکه صرفاً به آن‌ها انگیزه بدهد

۱- تعیین اهداف «هم‌راستا با نظریه خودتعیین‌گری:

استقلال (به دانش‌آموزان حق انتخاب بدهید، مثال در تدریس: اجازه دهید
دانش‌آموزان بین چند موضوع برای تحقیق، بین روش‌های ارائه
(مثلاً پاورپوینت، مقاله، اجرا) یا حتی بین سطح دشواری تمرین‌ها، انتخاب کنند.
این حس «مالکیت» بر یادگیری، انگیزه را به شدت بالا می‌برد.

شایستگی:

موفقیت‌های کوچک را بسازید و جشن بگیرید
مثال در تدریس: مفاهیم را به بخش‌های کوچک‌تر و قابل هضم تقسیم کنید).
بازخوردهای سازنده و مشخص بدهید که دانش‌آموز بداند دقیقاً کجا موفق بوده
و کجا نیاز به بهبود دارد. کار دانش‌آموزان را به نمایش بگذارید

ارتباط:

حس تعلق و امنیت ایجاد کنید مثال در تدریس: کلاس را به یک فضای
امن تبدیل کنید که دانش‌آموزان از پرسیدن سوال یا اشتباه کردن نترسند.
فعالیت‌های گروهی طراحی کنید که همکاران را به هم نزدیک کند.
خود معلم در نقش یک «همراه» دلسوز باشد.

- طراحی «اهداف چالش‌برانگیز اما دست‌یافتنی

Designing Challenging but Achievable Goals

مثال در تدریس: اهداف یادگیری درس: اهداف یادگیری درس را در ابتدای هر جلسه به طور واضح بیان

کنید. کاری کنید که دانش‌آموز بداند قرار است به چه چیزی برسد. سپس، میزان دشواری تمرین‌ها و پروژه‌ها را
طوری تنظیم کنید که نیازمند تلاش باشد، اما غیرممکن نباشد. شناسایی (جریان) در کلاس درس هدف نهایی
است.

- تکنیک «بسته‌بندی و سوسه» در کلاس:

مثال در تدریس: اگر قرار است یک مبحث کمی خشک یا دشوار را تدریس کنید،
آن را با یک فعالیت جذاب «بسته‌بندی» کنید.

مثلاً: «قبل از شروع بحث پیچیده امروز، ۵ دقیقه یک بازی فکری مرتبط با موضوع انجام می‌دهیم»

یا «بعد از حل این مسئله سخت، یک کلیپ ویدیویی سرگرم‌کننده یا داستانی مرتبط را تماشا می‌کنیم

بخش دوم - راهبردهای مدیریت هیجان در کلاس درس

معلمی که هیجانات خود و دانش‌آموزانش را بهتر مدیریت کند، کلاس آرام‌تر و یادگیری عمیق‌تری خواهد داشت.

باز ارزیابی شناختی :

Cognitive Restructuring

مثال در تدریس

وقتی دانش‌آموزی می‌گوید «من از این امتحان می‌ترسم»، به او کمک کنید تا بگوید: «این امتحان چالش‌برانگیز است، اما من برای آمادگی‌اش تلاش کرده‌ام و می‌توانم بهترین خودم را ارائه دهم.» معلم می‌تواند این طرز فکر را در کلاس مدل‌سازی کند.

برچسب‌گذاری هیجانی:

چگونه؟ فضای امنی برای بیان هیجانات ایجاد کنید.

مثال در تدریس

به دانش‌آموزان کمک کنید تا احساسات خود را نسبت به درس

یا تکالیف شناسایی و نام‌گذاری کنند

«می‌بینم که از این مسئله ریاضی ناامید شدی. خوب است

که این احساس را به من گفتی.» این کار به خودتنظیمی هیجانی کمک می‌کند

ایجاد «فاصله روانشناختی» در مواجهه با چالش‌ها:

چگونه؟ به دانش‌آموزان کمک کنید تا در موقعیت‌های استرس‌زا، دیدگاه خود را وسیع‌تر کنند

مثال در تدریس :

وقتی دانش‌آموزی در یک درس به شدت مشکل پیدا می‌کند،

به او کمک کنید تا ببیند این مسئله «کلید موفقیت او در تمام زندگی» نیست،

بلکه «یک چالش قابل حل در یک مقطع خاص» است. همچنین،

معلم می‌تواند در مواجهه با چالش‌های تدریس، از خود بپرسد

«آیا این موضوع در بلندمدت همین‌قدر مهم است؟» تا از فرسودگی شغلی جلوگیری کند

منابع

۱- سنگری، محمد رضا، ...، ۱۳۸۳، طراحی آموزشی فارسی اول دبستان بخوانیم و بنویسیم، تهران،

انتشارات مدرسه.

۲- شعبانی، حسن، ۱۳۹۹، مهارت‌های آموزشی و پرورشی، انتشارات سمت.

۳- صفوی، امان‌الله، ۱۳۷۰، کلیات روشها و فنون تدریس، تهران، نشر معاصر

۴- میرزا محمدی، محمد حسن، ۱۳۸۳، کتاب ارشد، تهران، پوران پژوهش.

۵- اصول عمومی تدریس و پرستشگری، رضازاده، حمید رضا، ۱۴۰۲، انتشارات سمت.

۶- فن آوری آموزشی، مهجور، سیامک رضا، ۱۴۰۱، انتشارات وا